

## پی‌نوشت‌ها:

۱. این واژه را برای اولین بار نظریه پرداز و تئوریسین تئاتر مردم‌شناسی و هنر پرفرمنس ریچارد شچنر به نام (Environmental Theatre) به کار برده است، تئاتری که بازیگران و تماشاگران مکان نمایشی را میان خود تقسیم نموده و فاصله میان آن دو از بین می‌رود، تئاتری که در بازار، خیابان، فروشگاه و یارستوران‌ها هم می‌توانست اتفاق بیفتد. م. ح.
۲. این واژه از اواخر دهه ۶۰ در هنرهای تجسمی، نمایشی و در طیفی از ادبیات موج نو آن زمان که شدیداً متأثر از جامعه مصرفی خود بوده و ابعاد زیبایی‌شناختی و تأثیرات روانی محیط مدرنیزم آن دوران به نقد کشیده می‌شد و هنر اصولاً در برابر هر پدیده نوآوری هم حتی موضع گرفته و تلاش می‌کرد، اتفاقاً به وضوح و آشکارا در هنرش تبیین و همزمان نقد شود. مانند «اندی وار هول».
۳. «روند زیبایی‌شناختی و تغییرات پارادایگمایی از تئاتر به سوی هنر پرفرمنس تئاتری در فراسوی کلام» مقاله‌ای طولانی از نگارنده این مقاله می‌باشد که بعداً انتشار می‌یابد.
۴. Aki Kaunsmäki، اکی کاریسماکی امسال به جشنواره اسکار ۲۰۰۳ دعوت شده بود و او برای اعتراض به سیاست امریکا به عراق از این سفر و شرکت در اسکار خودداری کرد و سیاست جرح بوش را به باد انتقاد گرفت. م. ح.

## منابع:

- Turner, Victor: Vom Ritual zum Theater, Fischer Verlag, Frankfurt /M 1995.  
Paz, Octavio: Nackte Erscheinung, Suhrkamp, Frankfurt / M 1991.  
Müller, Gottfried: Dtmaturgie, Konrad Triltsch Verlag, Berlin 1962.  
Thomas, Karin: Bis Heute, Dumont Buch Verlag, Köln 1986.  
Kott, Jan: Shakespeare heute, Fischer Verlag, Frankfurt 1991.  
Puccini/ Giacomo: Tosca / Oper Frankfurt 2001.  
Puccini/ Giacomo: La Bohème, Oper Frankfurt 1997 / 98.  
Kantor/ Tadeusz: Ein Reisender, Institut F. m. Kunst, Nürnberg 1988.  
Kane, Sarah:// 4.48 Psychose, Schauspiel Frankfurt 2001 - 2002

لوییجی پیراندلو، شش شخصیت در جست و جوی نویسنده، نشر تجربه ۱۳۷۸، ترجمه حسن ملکی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تجسمی

### ان والا یر: نخستین نمایشگاه مرور آثار

زمستان امسال نیویورک نخستین نمایشگاه از نقاشی‌های طبیعت بی‌جان نقاشان برجسته فرانسوی قرن ۱۸، ان والا یر و دیگران برگزار می‌شود.

### نمایش آثار بیل ویولا

لوس آنجلس، کالیفرنیا موزه جی. پل گتی از تاریخ ۲۴ ژانویه تا ۲۷ آوریل ۲۰۰۳ آثار ویدئویی بیل ویولا را در ابعاد بزرگ به نمایش گذاشت.

## موفقیت بزرگ در تاریخ موزه هنر میلوآکی

موزه هنر میلوآکی از ۲۷ سپتامبر تا ۴ ژانویه ۲۰۰۴ میزبان نمایشگاه مشهور «لحاف‌های جیزبند» خواهد بود. مجله نیویورک تایمز در مقاله‌ای این نمایشگاه را مورد تحسین قرار داده و اضافه می‌کند که «لحاف‌ها» از خارق‌العاده‌ترین آثار هنر مدرن امریکا هستند» و به قدری خیره کننده‌اند که آغاز شرح و تفسیر آنها بسیار دشوار است. «موزه هنر امریکای ویتنی نیز این آثار را به نمایش گذاشته است.

چندین نسل است که زنان در نقاط مختلف محله جیزبند در آلاباما به خاطر حفظ کانون خانواده، هنر سنتی لحاف‌دوزی را ادامه می‌دهند. «لحاف‌های جیزبند» این هنرمندان گمنام را به دلیل استفاده نوآراند از مواد و طرح‌های جسورانه گردهم می‌آورد.

این نمایشگاه با حضور ۷۰ لحاف از یک گروه ۴۵ نفری هنرمندان حال و هوای غیر معمول به خود می‌گیرد، گروهی که با به کارگیری نقش مایه‌ها، تکنیک‌ها و پارچه‌های مختلف، هم به جریان عادی قرن تن در داده و هم آن را دچار تغییر و دگرگونی کرده است.

دیوید کُرْدُن، سرپرست و مدیر اجرایی موزه هنر میلوآکی می‌گوید: «این مجموعه باز نمود فوق‌العاده‌ای از هنر درخشان است و ما از نمایش دادن آن بسیار خوشحال هستیم. در این آثار چشمگیر، زنان «جیزبند» آداب و رسوم معمول را به آثار ژرف‌اندیش هنری تبدیل می‌کنند».

این آثار، معرف چهار نسل از هنرمندانی است که از پارچه‌های معمولی، مخمل کبریتی، کتان، پارچه‌های پنبه‌ای و لباس‌های مستعمل استفاده کرده و به گونه‌ای با هم ترکیب می‌کنند که شکل نهایی آنها بیشتر به نقاشی‌های انتزاعی مدرن شباهت دارند تا لحاف‌های مصرفی معمول.

این زنان، لحاف دوزی را از مادر یا مادر بزرگشان آموخته‌اند اما همواره تأکید بر فردیت و نوآوری بوده است. لحاف دوزها موفقیت‌شان را مدیون خود هستند و هر از گاهی نیز برای دوختن لحاف گردهم جمع می‌شوند در این نمایشگاه، بسیاری از لحاف‌ها به شکل ملافه‌های پارچه‌ای، نوارهای باریک یا تکه‌دوزی ارائه شده‌اند.

این آثار، برگزیده‌ای است از مجموعه تین وود الاینس، موسسه غیر انتفاعی که ویلیام آرنت، استاد هنر، برای حمایت از هنر بومی سیاهان امریکا تأسیس کرد.

آرنت دبیر نشریه تین وود بوکز، این لحاف‌ها را که برخی به مدت تقریباً یک قرن بر روی تشک‌ها و در کمد‌ها و گنجه‌ها متروک مانده بود، جمع‌آوری نمود. او برای ملاقات با انی مایونگ، که تصویر او همراه با لحافش در یک مجله چاپ شده بود، برای اولین بار به آلاباما سفر کرد. انی او را به منطقه جیزبند می‌برد، محله‌ای با جمعیت بالغ بر ۷۵۰ نفر که بعد از مالکیت جوزف جی، نخستین مرد سفیدپوستی که در نخستین سال‌های قرن ۱۹ ادعای مالکیت آنجا را داشت، این نام را به خود گرفت. خانواده جی در سال ۱۸۴۵ این مزرعه را به مارک پت وی فروخت. بسیاری از کسانی که امروز در جیزبند زندگی می‌کنند فرزندان همان برده‌هایی هستند که در مزرعه پت وی کار می‌کردند. اجداد آنها پس از رهایی از برده‌داری، به عنوان کشاورزان اجاره کار بر روی زمین‌ها به کشاورزی ادامه دادند و بسیاری از آنها سرانجام در دهه ۱۹۴۰ مزارع را از دولت خریداری کردند. زنان جیزبند، که از لحاظ جغرافیایی در مناطق پراکنده از هم زندگی را به سر می‌برند. از هر موادی که در اختیار دارند بر اساس طرح‌های دلخواه‌شان لحاف می‌دوزند. جیزبند به خاطر لحاف‌هایش معروف شد، در واقع طی جنبش حقوق مدنی در اواسط دهه

۱۹۶۰ که «محفل آزادی لحاف دوزان» تأسیس گردید. بسیاری از لحاف دوزها نماینده نسل دوم خانواده لحاف دوزها هستند. امروزه، هنر لحاف دوزی در جیزبند رو به فراموشی است. دیگر هیچ لحاف دوزی به طور مداوم به این کار مشغول نیست و، بنابه گفته آرنت، زن زیر ۶۰ سالی را نمی توان یافت که بیش از یک یا دو لحاف در سال بدوزد. این نمایشگاه، علاوه بر نمایش لحاف ها، تاریخ زندگی مردم جیزبند، عکس های تاریخی و کنونی (که توسط آرنتور و تشتاین و ماریون پست والکوت در دهه ۱۹۳۰ به سفارش اداره اسکان تهیه شد) از این محل و گزیده ای از مصاحبه ها با ۳۰ لحاف دوز را عرضه می کند. یک نوار ویدئویی ۲۰ دقیقه ای از منطقه جیزبند و لحاف دوزهای ساکن آن نیز در جنب نمایشگاه پخش می شود.

### موزه ویتنی طرح های توسعه را لغو می کند

نیویورک موزه هنر امریکای ویتنی اعلام داشت که اجرای طرح های توسعه متوقف شده است. سرپرست موزه ویتنی، می گوید: «ما در تنگنای بدی قرار گرفتیم. این طرح چالش بزرگی می طلبد و ما در وضعیتی نبودیم که بتوانیم از عهده آن برآئیم». شاید بتوان در آینده از موقوفه موزه، که اکنون چیزی بالغ بر ۴۵ میلیون دلار است، استفاده کرد.

دو سال بعد، از پیشنهاد دهنده طرح توسعه خواسته شد تا طرحی برای توسعه موزه ارائه کند. از آن تاریخ، او دو طرح معرفی کرد که هزینه ای در حدود ۲۰۰ میلیون دلار در برداشت.

موزه ویتنی حامی اصلی هنر قرن ۲۰ و ۲۱ امریکا است. این موزه، که در سال ۱۹۳۰ تأسیس شد، ۱۳۰۰۰ اثر از بیش از ۲۰۰۰ هنرمند را در خود جای داده است. کلکسیون ثابت آن مجموعه ای ممتاز از هنر قرن بیستم امریکا را به نمایش می گذارد، آثار هنرمندانی چون ادوارد هوبر، الکساندر کالدر، لوئیس نولسن، لولاس ساماراس، آرشیل گورکی، مارسدن هارتلی، جاسپر جونز، ریچارد الدنبرگ، رابرت روشنبرگ، ایدی راینارد و دیگران.

### گالری های «مال» و مجموعه آثار تصویرگران

لندن، انگلستان گالری های «مال» از ۲۴ آوریل امسال آثار تصویرگران را در معرض نمایش گذاشت. یک فرصت استثنایی برای تماشای نسخه های اصل آثار تصویرسازی برگزیده سال در انگلستان. نمایشگاه در برگزیده آثار برنده جایزه از تصویرگران مشهور و تصویرگران نوظهور است و با حمایت شرکت هایی بزرگ برگزار می گردد.

گالری های «مال» یکی از چندین محل در لندن است که میزبان هنرمندان مطرح انگلستان و هنرجویان خوش آتیه و نقاشان جوان ناشناخته می باشد. این گالری ها در سال ۱۹۷۱ افتتاح شد و از سوی اتحادیه هنرمندان بریتانیا، که در زمینه آموزش و تشویق مردم به شناخت و خلق آثار هنری فعالیت دارد، حمایت می شود.

### نگاهی به رخدادهای هنری قرن ۲۰

۱۰۰ سال پیش

رویدادهای جهان هنر

هنرهای زیبای بوستون نگهداری می‌شد به خاطر پوشش ورنی که بر روی سطح نقاشی کشیده شد سطح آن تا حدودی غیر قابل رویت گردید. اما بعدها که این پوشش را از روی آن برداشتند امضاء هنرمند و تاریخ نقاشی، ۱۶۵۲، هویدا شد.

۱۹۰۳ آوریل

### ۷۵ سال پیش

۷۵ پیش «کیلدهاسام» در کتاب خود می‌نویسد، «دهه ۹۰ قرن ۱۹ با حوادث جنجال برانگیز و پرسر و صدا به اتمام رسید؛ این دوره پر تلاطم در راهروهای هنرهای زیبا طنین انداخت. دوره پیشرفت و رونق فرارسیده بود. در دنیای هنر گراوور تیزابی ویستلر، نقاشی آبرنگ وینسلو هومر، نقاشی رنگ و روغن از آلبرت ریدر، در بهترین شرایط هرگز برتر از یکدیگر نبوده و به زحمت هم تراز بوده‌اند؛ و همه آنها به دست هنرمندانی در دوره‌ای خلق شده‌اند که ما آن را عصر ماشین می‌نامیم. در این دوره پر تلاطم و سال‌های بعد شاهد آن هستیم که در برابر تمام انواع حمله‌های پنهانی دلالان خارجی و بازدیدکنندگان متمول و مجموعه‌داران از خود راضی که فقط درباره مجموعه‌هایشان می‌نویسند مردم از هنرمندان حمایت می‌کنند.

«۲۵ سال از نقاشی امریکا» اثر کیلدهاسام ۱۴ آوریل ۱۹۲۸

### ۵۰ سال پیش

آقا؛ شاید به خاطر داشته باشید که یکبار مرا برای اجرای قطعه طنز به یک شو بردید تا برای موزه پول جمع‌آوری کنید و از این راه به مسئولین موزه امکان دهید تا یکی از نقاشی‌های مرا که در کتاب «هس» چاپ شده بود و به گمان او تصویر آبشار بود ولی در واقع تصویر میوه پادرختی بود بخرند. اکنون که آن ماجرا را در ذهن مرور می‌کنم از خود می‌پرسم که آیا بهتر نبود که به جای آن که این پول را به من بدهید به کسی می‌دادید که کارش اجرای آن سرگرمی‌ها است. شما خوب می‌دانید که این روزها همه چیز آنقدر پیچیده و دشوار شده است که آدمی برای حفظ تن و روح خود نباید از هیچ کاری دریغ کند.

ایدی راینارد نیویورک

«نامه‌های ناشر»، آوریل ۱۹۵۳

### ۲۵ سال پیش

۲۵ سال پیش هنر مفهومی از راه رسید. حدود یک دهه مورد آزمون و تجربه قرار گرفت، اما با انجام نخستین مرور آثار مفهومی در موزه هنر مدرنی توسط یکی از برجسته‌ترین استادان این هنر، سول لویت، این پدیده مهر تأیید رسمی خورد. در گذشته، بسیاری از منتقدین و مردم در درک هنر مفهومی دچار مشکل بودند. آنها هنر مفهومی را بسیار بی‌روح و خسته کننده، انرژی‌بر، و «ضد زیبایی‌شناختی» می‌دانستند که نمی‌تواند حتی نیازهای اولیه بیان هنرمندانه را فراهم کند. مبدأ تحریک‌آمیزترین نقدها اخیر کار لویت این بود که هنر مفهومی واقعاً زیباست، صرف نظر از این که ایده نهفته در پس آن کاملاً پاک و بی‌آلایش یا خیر.

«به دنبال هنر مفهومی»، الن شوارتز، آوریل ۱۹۷۸